

تاریخ فراموشان؛ بازنمایی زنان و دختران در نشریات خراسان عصر قاجار^۱

الهه ماه پروی^۲، سینا فروزش^{۳*}، زهیر صیامیان گرجی^۴، قاسم محمدی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

این جستار پژوهشی با تکیه بر محتوای روزنامه‌های خراسان عصر قاجار، نحوه بازنمایی هویت گروه‌های مندرج در این نشریات و از جمله زنان و دختران را در دستور کار خود قرار داده است. کوشش پژوهندگان در این راستا بوده که متن و محتوای روزنامه‌های خراسان عصر قاجار به مثابه نقطه کانونی مورد واکاوی قرار گیرد. شناخت متن-زمینه روزنامه‌های مذکور در جهت پاسخ‌گویی بدین پرسش بوده که هویت زنان و دختران در این روزنامه‌ها چگونه بازتاب یافته است؟ لذا در جهت شناخت ابتدا به تعریف مقوله‌های مربوط به زنان و دختران پرداخته، سپس این مقولات در ساختار عصر قاجار ذیل عناوین نشریاتی خراسان بازکاوی و رصد گردید.

بنا بر یافته‌های پژوهش؛ ارزش‌هایی نظیر «منهیات زنان، حقوق زنان و دختران، نقش و کارکرد آنها در خانواده، علم‌آموزی، برنامه‌های آموزشی مناسب، تأسیس مدارس خیریه، تقابلهای دوگانه شرع-عرف در کنار هم‌پوشانی‌های آنها»، بیشترین درصد فراوانی را از نظر محتوایی در نشریات مورد مطالعه خراسان عهد قاجار داشته‌اند. به باور پژوهندگان و بر اساس یافته‌های فوق، برجستگی موارد یاد شده و تکرارپذیری آنها در میان صفحات روزنامه‌ها نشانگر تأکید جامعه خراسان عصر قاجار بر مفاهیم و مولفه‌های مذکور در فرایند بومی سازی تجدد بوده است.

در روند اجرای پژوهش پژوهندگان ابتدا داده‌های به دست آمده از همه شمارگان همه نشریات منتشره در خراسان عصر قاجار را پردازش کرده سپس بر مبنای تحلیل محتوای کیفی بازنمایی تصویر زنان و دختران در این مطبوعات که مسئله اصلی پژوهش است، به تحلیل تاریخی آن پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: هویت زنانه، دختران، روزنامه‌های خراسان، عصر قاجار، ارزش‌های اسلامی، تجدد

^۱. ماه پروی، الهه؛ فروزش، سینا؛ صیامیان گرجی، زهیر؛ محمدی، قاسم (۱۴۰۴). تاریخ فراموشان؛ بازنمایی زنان و دختران در نشریات خراسان عصر قاجار،

فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی، سال دوم، شماره دوم، تهران: ص ۶۱-۷۰.

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: sinaforoozesh@gmail.com

^۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۵. استادیار گروه حقوق اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

تاریخ اجتماعی به مثابه یکی از گونه‌های مهم تاریخ‌نگاری و نخستین پویش‌های فکری جهت ارائه دامنه‌ای از رهیافت‌های مورخانه با موضوع سوژه‌گی این نوع تاریخ‌نگاری به دغدغه‌هایی فراسوی کنش‌های فرادستان جامعه و نخبگان اجتماع در حوزه‌های سیاسی- اجتماعی مربوط می‌شود. در سده ۱۹ میلادی توجه به امور اجتماعی و اقتصادی در بین مورخان گسترش یافت. عواملی مانند ظهور اندیشه مارکسیستی به خصوص در تبیین‌های اجتماعی و نیز گسترش نظریه‌های اجتماعی فرهنگی و برآمدن مکتب آنال^۱ در سنت تاریخ‌نگاری فرانسوی این روند را شتاب بخشید. به نحوی که در اواسط سده ۲۰ میلادی تمرکز صرف بر تاریخ سیاسی جای خود را به «جامع‌نگری آنالستی» داد و دامنه موضوعات، رویکردها و روش‌شناختی‌های موجود در قلمرو تاریخ به سوی همگرایی روزافزون علوم انسانی منجر شد که در این میان تاریخ و علوم اجتماعی- با توجه به سرشت همسان خود- در هم تنیده شدند (مک رایلند و تیلور،^۲ ۱۳۹۷: ۱۱).

پژوهش‌های مارکسیستی با تأکید بر نقش طبقه منجر به توجه بیشتر پژوهش‌گران بر نقش گروه‌های مغفول و فراموش شده در تاریخ شد که در این میان مطالعات مربوط به «تاریخ جنسیت»^۳ و «تاریخ زنان»^۴ در دستور کار مورخان قرار گرفت. بازتوصیف تجارب زنان به عنوان یکی از گروه‌های غیرخودی در پژوهش‌های پیشینان، عرصه‌های نوینی را فراروی مورخان گشوده و نیروئی تازه به پژوهش پیرامون تاریخ اجتماعی بخشیده اما در عین حال باعث انشعاب فزاینده‌ای در قلمرو این رشته و بی‌پاسخ گذاشتن شمار زیادی از مسائل مطرح در تبیین تاریخی شده است اما با این همه زنان را از قلمرو فراموش‌شدگان تاریخ که با نگرشی مردسالارانه و جنسیتی روایت می‌شدند به موضوع تاریخ‌نگاری فمینیستی، تاریخ فرودستان و تاریخ اجتماعی که نگرشی از پایین به تاریخ جامعه داشتند تبدیل کرد و بدین ترتیب منابع تاریخی غیرتاریخ نگارانه از جمله روزنامه‌ها مجدداً در جستجوی بازنمایی زنان بازخوانی شدند (همان: ۱۱-۱۳).

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت این پژوهش، در پردازش محتوای روزنامه‌های خراسان عصر قاجار به عنوان منابع غیرتاریخ نگارانه و بازسازی روند برساخت سیمای زنان از گروه‌های فراموش شده در تاریخ ایران این دوره است. زنان و دختران به مثابه دو گروه از طیف‌های اجتماعی که در تاریخ‌نگاری سنتی و پیشین کمتر به آن پرداخته شده بود و در حاشیه تاریخ قرار داشتند، با ظهور تاریخ اجتماعی و گسترش قلمرو آن به عنوان یکی از شیوه‌های نوین

^۱. Anal school

^۲. McRaid and Taylor

^۳. History of gender

^۴. History of women

تاریخ‌نگاری بیشتر مد نظر قرار گرفتند. لذا بازنمایی زنان و دختران در میان نشریات و روزنامه‌های خراسان عصر قاجار می‌تواند پژوهشی بدیع و قابل توجه و از جهت بررسی همه شمارگان همه روزنامه‌های منتشر شده در عصر قاجار در خراسان بی نظیر به نظر برسد. مسأله‌مندی این پژوهش از زمانی برای پژوهنده مدنظر قرار گرفت که در مطالعه تواریخ عصر قاجار، زیست و هستی اجتماعی زنان کمرنگ و حاشیه‌ای بود و گاه درباره ساده‌ترین لایه‌های زندگی زنان و دختران نیز به سختی می‌توان به اطلاعاتی دست یافت لذا ضرورت انجام این پژوهش، واضح و مبرهن به نظر می‌رسد.

ضرورت انجام این دست از پژوهش‌ها، فاصله گرفتن از تاریخ‌نگاری سنتی مبتنی بر تاریخ سیاسی و نزدیک شدن به گونه‌های تاریخ‌نگاری اجتماعی روش‌مند و نوین بر پایه نظریات مدرن در تاریخ‌نگاری از پایین در جهان معاصر است. ذکر این نکته بایسته است که در شناخت سیر تحول تاریخ‌نگاری در جهان معاصر، در اواسط سده ۲۰ میلادی پس از تحولات شکل گرفته در جهان، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی شکل گرفته که تأکید آن بر بازنمایی سیمای گروه‌های خاموش و در حاشیه تاریخ بوده که در شیوه‌های تاریخ‌نویسی پیشین فقدان آنها احساس می‌شد. یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های مذکور تاریخ اجتماعی است که پژوهندگان در مقاله پژوهشی حاضر نقطه عزیمت خود را در سطح انتخاب موضوع و نیز تحلیل آن بر استفاده از این رهیافت قرار داده‌اند چرا که بازنمایی سیمای زنان و دختران در پرتو خوانش مبتنی بر تاریخ اجتماعی بر پایه روش تحلیل محتوا، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از زوایای تاریک تاریخ عصر قاجار در خراسان و مکمل پژوهش‌های پیشین به شمار آید.

روش پژوهش

این پژوهش در سطح «روش‌شناختی»^۱ شامل: «روش کیفی»^۲، «روش کمی»^۳ و «تحلیل محتوا»^۴ است که به هرکدام از آنها به صورتی طرح‌واره‌ای پرداخته خواهد شد. روش تحقیق کیفی به مجموعه‌ای از روش‌های گردآوری داده‌ها اشاره دارد. روش‌شناسی کیفی به پژوهش‌گر امکان می‌دهد تا «جنبه‌های تحلیلی/تفسیری»^۵ و «تبیینی»^۶ مفاهیم و متغیرها را مستقیماً از داده‌ها به دست آید (دلاور، ۱۳۹۴: ۲۲۱). اهداف چنین پژوهش کیفی شامل توصیف، تبیین یا تفسیر است (رضائی و علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۵). روش کمی در پژوهش برای سنجش متغیرهایی به کار گرفته می‌شود که قابلیت تبدیل به یک کمیت را دارند. در این روش «بعد مفهومی داده‌ها»^۷ به یک «متغیر عملیاتی شده قابل سنجش»^۸ تبدیل می‌شود. متغیر کمی به متغیری اطلاق می‌شود که بیانگر نوع تفاوت موردهاست (مولر و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۱).

۱. روش‌شناسی در معنی اصلی و بنیادین خود «شناخت نظری و عملی روش آشکارسازی واقعیت است» (مالائی توانی، ۱۳۸۶: ۴۴).

۲. Qualitative method

۳. Quantitative method

۴. content analysis

۵. Analytical/interpretive aspects

۶. an explanation

۷. The conceptual dimension of data

۸. Measurable operationalized variable

تحلیل محتوا در پردازش اطلاعات روزنامه‌ها ابتدا به مسئله «ارزش محتوا»^۱ در آنها اشاره دارد و دیگر اینکه استدلال روزنامه‌نگاران در مسائل اجتماعی چگونه واجد جایگاه و ارزش برای تبیین علمی بوده، از جمله موارد استفاده از این شیوه برای پژوهش پیرامون روزنامه‌ها است (کرپندروف، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۴). تحلیل محتوا در سطح مفهومی خود شیوه‌ای است برای «استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها»^۲ (همان: ۲۵).

پیشینه پژوهش

شریفی ساعی (۱۳۹۲)؛ پژوهش «تاریخ بیداری زنان، بازنمایی مسائل زنان و خانواده در روزنامه‌نگاری دوران مشروطه» را با رهیافت تاریخ اجتماعی و مطالعات خانواده نگاشته است اما روزنامه‌های عصر قاجار در خراسان را محور بررسی قرار نداده است.

یوسفی اقدام و فراستخواه (۱۴۰۰)؛ در مقاله «ظهور سوژه کودک در دوره قاجار: مقدمه‌ای در باب مادیت تاریخ اندیشه‌ها در ایران معاصر»، ورود دختران به مثابه سوژه-ابژه، مطالعات تاریخ قاجار را یادآور شدند و مقاله ارزشمندی را سامان بخشیده‌اند که الگویی نگرشی برای مقاله حاضر بوده است.

آزاد ارمکی و دیگران (۱۴۰۰)؛ مقاله «کودک: موضوع بهداشت و سلامت در ایران: تحلیلی تاریخی از دوران قاجار» را با رهیافتی جامعه‌شناختی و تاریخ پزشکی به نگارش درآورده‌اند.

سیدقطبی (۱۴۰۱-۱۳۹۷)، کتاب «پژوهش اخبار خراسان در عصر قاجار» را براساس «رویکرد سال شمارانه»^۳ نگاشته و رویدادها را با دسته‌بندی روش‌مند ذیل مجموعه‌ای قرار داده است؛ همو در پژوهشی دیگر (۱۳۹۳)؛ نظام توزیع مطبوعات در مشهد دوره قاجار را مورد واکاوی قرار داده و با غور در مفهوم توزیع، پراکنش کمی مطبوعات مشهد در آن دوره با استناداتی از اوراق روزنامه‌ها، ذیل یک مقاله پژوهشی سامان داده است.

ترابی فارسانی (۱۳۹۴)؛ در مقاله «زن و تحول امر روزمره با تکیه بر نشریات زنان عصر قاجار» کوشیده است صورت‌بندی‌ها و مقوله‌بندی‌های نوین پسامشروطه در ارتباط با زیست اجتماعی زنان را ردیابی کند.

بهشتی‌سرشت و پرورش (۱۳۹۴)؛ مقاله «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (با تأکید بر نشریه نامه بانوان)» را با تأکید بر نقش زنان در حوزه‌های علم، فرهنگ، هنر و سیاست مورد تدقیق قرار داده‌اند.

طوبابی (۱۳۹۸)؛ در پژوهشی با عنوان: «سیمای اجتماعی خراسان عصر مشروطه در آیینه روزنامه خورشید»، فضای اجتماعی را به تصویر کشیده و در آن به تاریخچه پژوهش درباره روزنامه‌های خراسان پرداخته است.

^۱. Content value

^۲. Reproducible and valid inferences from data about their context

^۳. Annual approach

باغدار دلگشا (۱۳۹۸)؛ در نشریه «ایران نامگ»، مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق زنان در مطبوعات زن‌نگار ایران از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۵م» نگاشته و به الگوهای جنسیتی دوران قاجار در «مطبوعات زن‌نگارانه» پرداخته است. الهی (۱۳۷۸)، شهوازی (۱۳۸۳)، گلبن (۱۳۸۷) از جمله دیگر پژوهشگرانی هستند که پیرامون شکل‌گیری و سیر تحول مطبوعات خراسان قلم‌فرسایی کرده‌اند.

چهارچوب نظری

این پژوهش به دنبال بازنمایی هستی اجتماعی زنان و دختران در روزنامه‌های خراسان عصر قاجار است. در حیطه نظری، «نظریه اجتماعی»^۱ و «تاریخ اجتماعی»^۲ یک رویه دیالکتیکی و پیچیده‌ای دارند. سرشت پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ایجاب می‌کند بین پژوهش‌های مورخان و جامعه‌شناسان همگرایی ایجاد شود. مسئله زنان در بافتار مدرن به مثابه یکی از موضوعات تاریخ اجتماعی نوین که ذیل مجموعه «تاریخ اجتماعی از پائین»^۳ سامان‌یافته و هستند می‌شود، قابل واکاوی است.

رهیافت‌های مذکور، نشانگر رویکردهای مدرن و پسامدرن به مقوله گروه‌های «خاموش»^۴، «فراموش‌شدگان»^۵ و «مغبونان»^۶ تاریخ است که در رویکرد مورخان «تاریخ اجتماعی» ظهور و بروز ویژه‌ای یافته است (مک رایلند و تیلور، ۱۳۹۷: ۴۸-۴۶؛ موسی‌پور بشلی الف، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۱؛ موسی‌پور بشلی ب، ۱۴۰۰: ۵۰-۴۶).

جنبش زنان در خلال دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰م. ضرورت بازایابی نقش زنان در جامعه به مثابه «کسانی که از تاریخ پنهان»^۷ بودند را گوشزد کرد. این رویکرد جدید بر حذف عامدانه زنان از عرصه تاریخ تأکید داشت و مورخان فمینیست حذف کنش‌گری زنان را ناعادلانه و تبعیض‌آمیز خواندند.^۸ به نحوی که دهه‌های بعد طیف زیادی از آثار جانبدارانه پیرامون نقش و جایگاه زنان در تاریخ به نگارش درآمد (مک رایلند و تیلور، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

رویکرد نظری پژوهش حاضر استفاده از الگوی ترکیبی مبتنی بر تکنیک «تحلیل محتوی کیفی»^۹ و تلفیق آن با رهیافت تاریخ اجتماعی^{۱۰} است. در این راستا پژوهندگان نقطه عزیمت خود را بازخوانی نشریات خراسان عصر قاجار قرار داده و با استفاده از دیگر منابع تاریخی و تاریخ‌نگارانه، پژوهش خود را سامان بخشیده‌اند.

1. Social theory

2. Social history

3. Social history from below

4. silent groups

5. Forgotten groups

6. Disadvantaged groups

7. Those hidden from history

^۸ در این زمینه نک به: بیسلی، کریس (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه فمینیستی، مترجم محمدرضا زمردی، تهران: انتشارات روشنگری و مطالعات زنان.

9. Qualitative content analysis

10. Social theory and social history

تعریف مفاهیم

الف: روزنامه

واژه روزنامه از دوران‌های گذشته در ایران به کار رفته و مورد استفاده بوده است. این واژه در قرون پیشین به مثابه بیان رخدادهای مهم دستگاه سلاطین و نیز رویدادهای روزمره دربار، شرح حال پادشاهان، وزرا، بزرگان ملک و مملکت و نیز گاهی به معنای نوعی حساب مالیاتی آمده است (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۴۳۱-۲۷؛ شهشپانی، ۱۳۹۷: ۲۰۱). در دوره قاجار این واژه از نظر کاربرد و نقش، تغییر مفهومی پیدا کرده بدین معنی که وقایع‌نگاران و نویسندگان دولتی حوادث و وقایع مناطق خود را به دولت مرکزی گزارش داده و این اخبار جاری و خبرهای کوتاه سیاسی- اجتماعی و اقتصادی در آن عصر، روزنامه خوانده می‌شد. سیر تحول روزنامه‌ها در این عصر به سرعت اتفاق افتاد و اقبال عمومی به شدت افزایش یافت چرا که سرعت انتشار اخبار در روزنامه‌ها بیشتر از سایر فرایندهای خبررسانی بود (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: پیشگفتار؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۹-۲).

در تعریفی نوین «روزنامه‌نگاری هم هنر است هم حرفه‌ای که رویدادها و عقاید را ثبت می‌کند و بر آن است تا آنها را برای بهره‌گیری افراد تحصیل‌کرده تفسیر و قالب‌ریزی کند (پارتا ساراتی، ۱۳۸۱: ۶).

جدول ۱- فهرست تفصیلی برخی از نشریات خراسان عصر قاجار^۱

ردیف	عنوان	صاحب امتیاز یا مدیر مسئول	سال انتشار	محل نشر
۱	ادب	ادیب الممالک	۱۳۱۸ق.	مشهد
۲	بهار	احمد بهار	۱۳۳۶ق.	مشهد
۳	تازه بهار	محمد تقی بهار	۱۲۸۹ق.	مشهد
۴	تازه بهار	محمد ملک‌زاده	۱۳۲۹ق.	مشهد
۵	جهان زنان	فرخ دین پارسا	۱۳۳۹ق.	مشهد
۶	چمن	شمس‌المعالی دادستان	۱۳۳۰ق.	مشهد
۷	خراسان	محمد طباطبایی	۱۳۴۰ق.	مشهد
۸	خراسان	حسین اردبیلی	۱۳۲۷ق.	مشهد
۹	خورشید	محمدصادق تبریزی	۱۳۲۵ق.	مشهد
۱۰	خورشید	مرتضی قهرمان	۱۳۴۲ق.	مشهد
۱۱	فکر آزاد	احمد دهقان	۱۳۰۱	مشهد
۱۲	نوبهار	ملک‌الشعراى بهار	۱۲۸۸	مشهد

^۱. جدول فوق، توسط پژوهندگان براساس داده‌های مأخوذه از مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، استخراج شده است.

ب: زنان

تعریف مقوله زن به مثابه یک جنسیت انسانی و تفاوت‌های جنسی آنان با مردان بر اساس رهیافت روان‌شناختی نشانگر ویژگی‌های متفاوت زنانه در بدن آنان دارد اما درباره این مقوله نیز مباحث مختلفی در گرفته است (نیکخو و آوادیس یانس، ۱۳۸۰: ۳۲-۱۳). تا پیش از شکل‌گیری «هویت جمعی زنانه» و آگاهی آنان از مفهوم طبقه، دشواره‌های / مشکله‌های^۱ زنانه با رهیافت فردی تحلیل می‌شد و آنان موقعیت خود را با رهیافتی فردگرایانه تفسیر می‌کردند (موسی‌پور بشلی، ۱۴۰۰: ص مختلف؛ مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۱) اما با شناخت مشکلات جمعی و تعریف مقوله زن به مثابه یک موجود هستمند اجتماعی، مشکلات جمعی شناسائی و هویت‌سازی پیرامون این وضعیت جدید شکل گرفت و در نتیجه زنان تبدیل به موضوع، موضع و منظر تحقیقات علمی شدند (مشیرزاده، پیشین: ۱۲-۱۳).

زن به مثابه جنس دوم؛^۲ منهیات زنان

در روزنامه‌های خراسان عهد قاجار در بسیاری از مقالات، هویت زنان به مثابه یک هویت غیرمستقل و طفیلی تعریف شده است. سرمقاله‌نویسان و ستون‌نویسان در راستای فهم خود از سنن اسلامی و با اشاره به قرآن، سنت، سیره پیامبر و معصومین، زنان را مورد خطاب و عتاب قرار داده‌اند. نگاه بیشتر آنان برآمده از پیش‌فهم‌های جنسی است: «پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تعلیم سوره یوسف را به زنان منهی داشته است و ما بدبختان دختران خود را به مشاعره و مغالزه وامیداریم. منکر آن نیستیم که شاعره باشد ولی غزل‌سرایی و سرودخوانی در برابر مادگان بلکه در نظر سادگان هم جایز نیست تا چه رسد بدانکه آنها خود آغاز قلندری و سرمستی نموده از می و معشوق سخن رانند» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۴۷، ۸ شعبان ۱۳۱۹: ۳۷۱).

برخی دیگر از نمونه‌های مطالعه شده در روزنامه‌های آن عصر، ستیز با تجدد / مدرنیته را در دستور کار خود قرار داده و شیوه «زیست اجتماعی متجددانه» را معادل سلطه بیگانگان و «از خودبیگانگی هویتی» دانسته‌اند. این رهیافت، مقوله آزادی بی‌حد و حصر را به عنوان یک «آسیب اجتماعی» شناسائی و پیرامون گسترش آن هشدار داده است: «آیا نیم آنچه در این مدت به ملک و ملت ما خسارت وارد شده است جز به واسطه اشخاص بوده است که زبان خارجه را آموخته و از علوم آنها چیز نیندوخته و از زبان و آداب و رسوم ما متنفر بوده و با آنها که زبانشان را آموخته‌اند صحبتشان گرم گشته شب و روز در فکر آزادی خویش و طالب سلطه بیگانگان می‌باشند آرزو دارند با محارم خود روگشاده در کوچه قدم بزنند و مشروبات الکلی را آشکارا زهرمار کنند خودش (مسیو) باشد زنش

^۱. پیرامون مفهوم چالش‌برانگیز مسئله در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی برخی از پژوهشگران؛ واژه دشواره یا مشکله را پیشنهاد داده‌اند.

^۲. این اصطلاح از کتاب «جنس دوم»، سیمون دوبووار به وام گرفته شده است.

(مادام) کلاهش (شاپو) کفش (پوتین) روغنش (مارگرین) خداوندش (ناطور) درخانه (ربدو شامبر) می‌پوشد و با (کارد و چنگال) غذا می‌خورد» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۶، ۹ شوال ۱۳۱۸: ۴۷-۴۶).

چنانکه در نمونه ذکر شده مشاهده شد تحلیل محتوای مفاهیمی نظیر: «سلطه بیگانگان، قدم زدن آزادانه با محارم روگشاده، آموختن زبان خارجی، مصرف مشروبات الکلی، مسیو، مادام، کلاه شاپو، پوتین، مارگرین، ناطور، کارد و چنگال»، مستلزم کشف معنای درونی آن در نظر نویسندگان است که معنای ضمنی،^۱ پیوستگی^۲ و اعتبار تفسیری^۳ آن می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. ویژگی‌های استنباط شده و «نمود نمادین» مفاهیم مذکور در نشریات شامل شبکه وسیعی از پیوستگی‌های معنایی است و در ارتباط با تعریف مقولات «خود» و «دیگری»، در قالب دو شیوه زیست سنتی - متجددانه به تصویر کشیده شده است. افزون بر این، «گروه‌بندی معنایی»^۴ قضاوت‌های ارزشی درباره آنها در چهارچوب گفتمان اسلامی - ایرانی در متن فوق به خوبی آشکار و «نامطلوبیت» هر کدام از واژگان ذکر شده متضمن درک معنای ساده و صریح آنها در متن است.

پوشش زنان و حد و حدود آن در قوانین اسلامی در این عصر به یکی از مسائل چالش‌برانگیز مسلمانان تبدیل شده بود. احتمالاً در اثر تماس‌های مداوم بخش غربی جهان اسلام (حوزه مدیترانه‌ای آن) که معلول مناسبات استعماری و تجاری - فرهنگی با اروپائیان است، کاوش پیرامون زن، کیفیت حیات اجتماعی و به تبع آن نوع پوشش زنان فرنگی برای اندیشمندان مسلمان، سوژه‌گی پیدا کرده بوده است. در همین رابطه در مطبوعات خراسان در عصر قاجار آمده است: «تحریرالمراه» کتابی است به زبان عربی که قاسم امین^۵ از قاضیان محکمه استیناف مصر در باب آزادی زنان تألیف نموده و در آن کتاب مسلمانان را به برداشتن حجاب از چهره زنان تحریض نمود. حضرت خدیو خطه مصر بعد از مطالعه آن اوراق متغیر گشته و کتاب او را به زمین کوبید و از طرفی مؤلفین کتب و صاحبان جرید او را به بی‌دینی و بی‌غیرتی نسبت داده‌اند» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۴۷، ۸ شعبان ۱۳۱۹: ۳۷۱).

همین‌طور در این مورد در بعضی نشریات آمده است «یک نفر از قبطیان مسلمان شد و اظهار ایمان به اهل و عیال خود نمود و آنها را به دایره اسلام تکلیف کرد اهل او از اسلام امتناع نمودند عیال خود را مطلع نمود و رفت به قصبه دیگر عیال گرفت. قوم و خویش‌های او باخبر شدند وی را با عیالش مقتول ساختند» (روزنامه بشارت، ش ۸، ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۴: ۲).

^۱. connotations

^۲. association

^۳. Interpretational validity

^۴. thesaurus

^۵. کتاب مذکور در ایران با عنوان «زن و آزادی» توسط احمد مذهب الدوله (مذهب) بنا به دستور وزارت معارف در چاپخانه مرکزی تهران به سال ۱۳۱۶ ه.ش به زیور طبع آراسته شد. البته به نظر می‌رسد آشنائی با اندیشه‌های محمد قاسم امین در ایران به همت «یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی» «یوسف اعتصامی» و دختر وی «پروین اعتصامی» صورت گرفته است. میرزا یوسف خان آشتیانی (اعتصامی) - بنا به گفته خودش - چند فصل از کتاب مذکور را ذیل عنوان: «تربیت نسوان» به سال ۱۳۱۸ ه.ق در تبریز ترجمه کرده و در «مطبعة معارف» به چاپ رسانده است.

دلالت معنایی متون و تقدم زمانی - موضوعی «آزادی» در همه سطوح مفهومی و عملی آن از آزادی پوشش تا آزادی مذهبی در گفتمان اسلامی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی و برجسته‌سازی آن نکته‌ای بدیع است و مجادله بر سر ارزش/ هنجار آزادی در اسلام و تعیین مفهومی آن را در فرایند تکوین تجدد بومی را تحت تأثیر فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.

شرح و بسط مفاهیم در حوزه اجتماع از سطح فردی به سطوح جمعی زیست خراسانیان در این دوره نیز در نوع خود جالب است، مفهومی مانند «ناموس» به «ناموس خدا»، «ناموس اکبر»، «ناموس شخصی»، «ناموس جمعی»، «ناموس اجتماعی»، «ناموس دیانت» و «ناموس ملک و ملت»، صورت‌بندی شده است.^۱ به طور مثال می‌بینیم در مطبوعات آورده شده «هان ای مسلمانان از خصومت قرآن بترسید بیایید مسلمان بشویم و عمل به قرآن بکنیم و راحت‌طلبی را کنار گذاشته بتمام قوا مالی و جانی ناموس به باد رفته خود را برگردانیم. اگر ناموس اکبر یعنی هیئت جامعه را حفظ نکنیم ولو به اتلاف نفوس و اسارت اعراض صاحب هیچ مرتبه از انسانیت و هیچ ناموسی نخواهیم بود. دیدید شما در قضیه وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله رئیس ملت و حافظ هیئت و دین الله القویم و صراطه المستقیم صدمه بناموس شخصی و خانواده و اسارت اولاد و جسارت مردمان دون را در راه حفظ جامعه اسلامی مقابل کفار صابرا و محتسبا بر خود هموار کرد که مبدا صدمه به ناموس اکبر که هیئت جامعه است وارد آید با اینکه ثمره آن تحمل قدر یقینی تحمل خانه‌نشینی اولاد طاهرین آنجناب بود خوب است موازنه کنیم شان نوامیس و اعراض شخصیه خودمان را با نوامیس و اعراض شخصیه آن ناموس خدا و رفتار خودمان را با رفتار آن جناب آن وقت می‌دانیم که با آن حضرت چه نسبت داریم و ملاحظه می‌کنیم که امروز ذلت ما نیست مگر از تکاهل و مخالفت بزرگان قولاً و عملاً و کانه همه اتفاق کرده‌ایم بر تضعیف قوای ملت و تسلط اجانب یکی به رفاقت فلان مادام یکی به عشق لیره و دیگری برای توسعه تجارت شخصی و آوردن کارش یکی به امید گرفتن رشوه و به اقسام مختلف پوست بی‌غیرتی را بروی ادراک و انسانیت کشیده حال آنکه حضرت امیرالمؤمنین برای تعدی به یک ذمیه تجویز مرگ برای تمام مسلمانان می‌کند اگر مسلمانی در نزد ما شأنی داشت بحکم صریح مطلق ما استطعتم امروزه تمام اموال خود را ذخیره قومی پنداشته و نفوس خود را بغایت جد و اهتمام در عداد داوطلبان و مدافعین از ناموس ملک و ملت درآورده و حقوق مملکت را حفظ می‌نمودیم» (روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۱۰، ۱۳ محرم‌الحرام ۱۳۲۶: ۲). همان‌طور که در بعضی دیگر از مطبوعات خراسان این عصر در سال‌های بعدی نیز همین ادبیات و مفاهیم به کار می‌رود: «سال ۶۱ هجری در همین ماه غم‌انگیز بود که یک نفر حریت‌پرور با ۷۲ نفر مرد و چند خانواده زن و دختر و طفیل و صغیر به نام غیرت به نام عصبيت به نام دیانت و به نام آزادی و مساوات از زیر بار تبعیت یک نفر جبار فاسق سر بیرون زد و برای دفاع از ناموس اجتماعی و ناموس دیانت در مقابل اردوی دشمن ایستاد گفت من محال است که حق حاکمیت یزید را بر مسلمانان تصدیق کنم او زیر بار ننگ نرفت آزادی را

^۱. پژوهندگان با آگاهی از پیشینه مفهومی واژه ناموس به معنی قانون، این جستار را مطرح کرده‌اند.

به بردگی نفروخت (روزنامه تازه بهار، سال اول، ش ۷، ۱۴ محرم الحرام ۱۳۳۰: ۱). در نمونه‌ای دیگر نیز این کاربرد قابل مشاهده است: «اساس این مسئله که بیان می‌کنیم غیرت و ناموس است. هر کس دارای این لطیفه مخفیه و سر مکنون و حقیقت اصلیه باشد و معنی غیرت و ناموس را ادراک نماید صاحب دین و مذهب و ملت و شرافت و تقوی و حب وطن خواهد بود (روزنامه ادب، سال اول، ش ۱۲، ۶ ذی الحجه ۱۳۱۸: ۱۰۸-۱۰۷).

فراوانی و تکرارپذیری دو واژه «ناموس» و «غیرت»، در متون فوق به عنوان یکی از ارزش‌های عام و دارای شمولیت گسترده در گفتمان اسلامی- ایرانی حاکم بر نشریات خراسان عصر قاجار نشان‌دهنده تحول زمینه اجتماعی و شکل‌گیری نظام معنایی نوینی است که دلالت‌ها و توسیع‌های مفهومی متفاوتی را از نظام واژگان انباشت شده در فرهنگ اسلامی جامعه ایرانی در جهت شکل‌دهی به تغییرات اجتماعی بنیادینی در قالب تجدد بومی وام می‌گیرد.

جدول ۲- منہیات زنان در نشریات خراسان عصر قاجار

ردیف	عنوان	کارکرد	قلمرو
۱	مشاعره با جنس مخالف	تأکید بر کنش‌های دینی	فرهنگی- اجتماعی
۲	مغازله	تأکید بر کنش‌های دینی	اجتماعی
۳	مصرف مشروبات الکلی	تأکید بر کنش‌های دینی	اجتماعی
۴	زیست اجتماعی ناهنجار	تأکید بر کنش‌های دینی	اجتماعی
۵	رفع حجاب	تأکید بر کنش‌های دینی / اخلاقی	فرهنگی- اجتماعی
۶	آزادی فراشرعی	تأکید بر کنش‌های دینی	اجتماعی
۷	ارتداد	تأکید بر کنش‌های دینی	سیاسی- اجتماعی
۸	عدم حفظ ناموس	تأکید بر کنش‌های دینی	فرهنگی- اجتماعی

مسئله زن در مطبوعات با تأکید بر حقوق زنان

تأکید بر تساوی حقوق بین زن و مرد به ویژه در نشریات «زن‌نگارانه» در خراسان عصر قاجار، مؤید یک تحول بزرگ در گفتمان مطبوعاتی خراسانیان عصر قاجار است. این تحول گفتمانی به طور محسوس درباره مقوله علم‌آموزی زنان قابل ردیابی است. در همین رابطه شاهد آن هستیم که در روزنامه جهان زنان آمده است «دین اسلام تعلیم و تعلم را بر مرد و زن هر دو فرض کرده است حتی حقوقی را که به مرد بخشیده از زن نیز دریغ نفرموده است» (روزنامه جهان زنان، ش ۴، ۲۶ شعبان ۱۳۳۹: ۸۰-۷۱). در نمونه‌ای دیگر نوشته شده «پیغمبر اکرم ما درباره تعلیم و تعلم فرموده‌اند اطلبوا العلم من المهد الی اللحد و وجوب اطاعت بدین امر خود را تأکید و تصریح کرده و گفته است که طلب العلم فریضه و مسلم را در این حکم تفریق نداده است دین اسلام تعلیم و تعلم را بر مرد و زن هر دو فرض کرده است» (همان). این الگوی اسلامی‌سازی ایده‌های نوین و قرار دادن واژگان سنتی در قالب

نظام‌های معنایی نوین برای استنتاج دلالت‌های متجددانه رویه‌ای رایج در مطبوعات خراسان در آن عصر است: «قانون مقدس الهی کیست تساوی در آفرینش مساوات در حقوق ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت» (روزنامه فکر آزاد، ش ۱۵، ذی‌الحجه ۱۳۴۰: ۱).

در این جستارها، چنانچه دیده می‌شود جنبه مشترک این محتواها درباره زنان مسلمان- ایرانی حاوی پیام‌های ویژه‌ای است که تعبیر این پیام‌ها برای آنان علاوه بر نخستین پوشش‌های فکری جهت احقاق حقوق زنان در دوران‌های پیشین، قطعیت دریافت علم‌آموزی در سنت اسلامی- ایرانی را باز می‌نمایاند. نویسندگان در این فرازاها سعی در ترکیب الگوی سنتی و مدرن برای زیست اجتماعی زنان داشته‌اند. تفسیر، فهم آن واستنتاج‌های برآمده از متن روزنامه‌ها، دلالت بر اهمیت اساسی مقوله دانش‌اندوزی در فرهنگ متجددانه اسلامی به مثابه یک ارزش درونی برای زنان را دارد.

سنخ آرمانی زنان مسلمان متجدد؛ بر ساخت روایت‌های تاریخ اسلام در زبان و زمان مدرن

در نشریات، جهت الگوسازی برای حیات اجتماعی زنان از سنخ‌های آرمانی صدر اسلام و شیوه زیست آنان یک الگوی روایی ارائه شده تا در پرتو آن زنان خراسانی همین رویه را ادامه داده و بازتولید کنند: «یک نفر زن حقوق طلب که در عهد حضرت ختمی مرتبت استفاض حقوق برای نسوان نموده است مشارکت علیها اسما دختر یزید بالاشهلی است. یزید از صحابه حضرت ختمی مرتبت و اسماء نیز از صحابه بوده است. زنی فصیح و بلیغ و دارای فکری عالی بود. او به نمایندگی از زنان شرف حضور حضرت ختمی مرتبت را نایل و با لسانی فصیح خطابه عربی قرائت می‌نماید که مفاد ترجمه آن این است. من از جانب جمعی از زنان مأموریت یافته‌ام تشرف خدمت حاصل نمایم و عرض کنم خداوند تو را به کافه زنان و مردان جهان مبعوث و ما به تو و خدای تو ایمان آورده‌ایم ما نوع زنان در پس پرده محبوس و در خانه‌های شوهر خانه‌نشین هستیم محل شهوت آنها بوده و فرزندان ایشان از ما به وجود می‌آید ولی مردان را واسطه حضور در مجامع، گزاردن نماز جمعه، عیادت بیمار، تشیع جنازه و حج‌های مکرر بر ما برتری داده و چون مردان به عزم حج و عمره یا جهاد حرکت کنند ما اموال آنها را حفظ اموال آنها را سرپرستی می‌کنیم. آیا در این صورت ما را با اجر آنها شرک می‌دانند؟ حضرت ختمی مرتبت رو به صحابه فرموده و بهترین دستور را برای زنان بیان می‌فرماید خاتون خود بدان و به زن‌هایی که از طرف آنها سخن می‌گویی بفهمانید که اگر نسوان با شوهر خود خوش‌رفتاری کند و همین عمل آنها با تمام اعمال خبری که ذکر کردیم معادل می‌باشد و همان حج نصیب آنها می‌شود» (روزنامه جهان زنان، سال اول، ش ۱، شعبان ۱۳۳۹: ۱۷-۱۶). یا در ادامه همین دیدگاه «اکنون ما زنان چگونه این امر حضرت ختمی مرتبت را باید به عمل بگذاریم به وسیله وصیت علم اخلاق و تربیت و خانه‌داری» (همان). و شاهدی دیگر از این مطبوعه «حضور حضرت بتول در مجلس حضرت رسول تشریف ایشان به مسجد برای مدافع حق خود در ملاء ناس در اخبار و سیر ثابت است و همه این وقایع ثابت را حمل ضرورت نمی‌توان کرد. حضرت سکینه نسبت به حضرت حسین هیچ وقت به قطع و فصل مناقشات ادبی

مجبور نبودند در صورتی که جناب‌شان مرجع شعرا و حضرتشان مجمع ادبا بود. فضایی عصر به ایشان مراجعه می‌کردند. اغلب احکام الهی به واسطه زوجات نبی اخذ و نقل شده شهادت نسوان در محاکم شرع مسموع است مدافعه زن حقوق خود را در محاکم ممنوع نیست و مدافعه حقوق بدون علم و اطلاع امکان ندارد» (روزنامه جهان زنان، سال اول، ش ۴، ۱۷ شعبان ۱۳۳۹: ۸۰).

واحدهای گزاره‌ای یا ارکان جمله در متن، با تأکید بر برجستگی «خدیجه همسر پیامبر، اسماء، سکینه» و دیگر زنان صدر اسلام، الگوسازی روایت‌مدارانه مدرنی را در دستور کار خود قرار داده و «واحدبندی» مطالب با هدف درک صحیح معنای زن نمونه و آرمانی متجدد مسلمان در متن مذکور، خواننده را به شناخت حدود آزادی زنان، وظایف و مسئولیت‌های آنان در جامعه-خوش رفتاری با شوهر، خانه‌داری و تربیت فرزندان- آگاه می‌کند. از دیگر سوی در دیگر مطبوعات خراسان این عصر آمده است «اشخاصی که از حق انتخاب نمودن (وکلاهی مجلس) مطلقاً محروم‌اند: ۱- نسوان؛ ۲- اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیومیت شرعیه هستند...؛ ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین که مجازات قانون اسلامی شده‌اند و محکومین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از آنها نشده باشد (روزنامه خراسان، سال اول، ش ۵، ۱۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷: ۵).

مقابله دو جستار از نشریه جهان زنان و خراسان، تقابل گفتمان‌های متعارض را نشان می‌دهد که متن اول با ارائه شواهد تاریخی از صدر اسلام درصدد به رسمیت شناختن حق شهادت زنان در محاکم است و دومین متن زنان را در ردیف «اشخاص تحت قیومیت»، «مرتکبین جرائم کیفری» و «محکومین» قرار می‌دهد. تعارض گفتمانی و شبکه دلالت‌های مفهومی دو متن بیانگر فضای اجتماعی حاکم بر خراسان آن روزگار است.

جدول ۳- بازتاب حقوق زنان در نشریات خراسان عصر قاجار

ردیف	عنوان	کارکرد	قلمرو
۱	حق علم‌آموزی	تأکید بر کنش‌های دینی	فرهنگی- اجتماعی
۲	حق شهادت در محاکم عمومی	تأکید بر کنش‌های دینی- عرفی	سیاسی- اجتماعی
۳	تساوی حقوقی	تأکید بر کنش‌های دینی- عرفی	سیاسی- اجتماعی

بازتاب زیست اجتماعی و آموزش دختران در مطبوعات

در این عصر نگاه به مقوله آموزش و عدالت آموزشی برای تحصیل دختران نیز از نکات مهمی است که رگه‌های آن در مطبوعات دیده می‌شود: «انحطاط در عالم اسلام به درجه رسید که در کاظمین شخصی پیرمرد حاجی ساده‌لوحی را دیدم که از درد دین گریه می‌کرد و می‌سرایید که مگر برای محو اسلام مدرسه پسرانه کافی نبود که می‌خواهند مدرسه دخترانه باز کند» (روزنامه نوبهار، سال دوم، ش ۲۴، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲: ۲). همین‌طور در دیگر نمونه آمده: «باید در هر محله مکتبی و مدرسه به قدر گنجایش آن محل ترتیب دهیم اطفال فقیر محض رضای خدا و

اغنیاء را قبول کرده به قانون صحیح معلمین دانشمند دیندار که از علوم مفیده و صنایع و حرف به آنها تعلیم دهد اول آنها را به تحصیل علوم دینیه به قدر کفایت امور لازمه وادارند بعد هر کدام را به قدر قوه و استعداد به تحصیل یکی از علوم معقول دارند. خیلی دقت شود که مباشرین این امور اشخاص متدین، خداترس، درستکار، باغیرت، وطن‌دوست، ملت‌پرست و صاحب اخلاق حسنه باشد که اطفال مسلمان را طوری تربیت کند که مسلمان‌زاده و مسلمان باشند نه خسر الدنیا و الاخره» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۴۰، ۱۱ جمادی‌الآخری ۱۳۲۵: ۳۱۸). و نیز آمده است «رؤسا و معلمین و نگهبانان اطفال باید خوشخو، درست‌کردار، باتقوی، با علم، ملایمت، صبر، بصیرت و بانظم باشند» (پیشین، سال دوم، ش ۲۹: ۲۲۹) و یا در دیگر مطبوعه ذکر شده «والا حضرت عالی همت امیر حبیب‌الله خان امیر محتشم افغانستان دام اجلاله مدرسه‌ای برای تربیت و تحصیل فرزندان ملت اسلام به نام نامی خود تأسیس و یرلیغی بلیغ محتوی بر نظامنامه آن مدرسه برای احضار و جلب معلمین به هندوستان نزد جناب محی‌الدین صاحب وکیل انجمن حمایت اسلام در لاهور فرستاده و از آن جناب خواهش کرده چند تن معلم برای مدرسه حبیبیه کابل روانه کند» (روزنامه ادب، سال سوم، ش ۳، ۷ شوال ۱۳۲۰: ۲۷). در روزنامه‌ای دیگر نوشته شده «مسلمانان چون مدرسه و صناعتی ندارند از سائر ملل واپس مانده‌اند و اگر مدرسه بجهت آنها بنا شود پیشرفت کلی در ترقی این ملت عقب افتاده فراهم خواهد شد لهذا حاجی زین‌العابدین تقیوف مدرسه اسلامی تأسیس نمود و ایتم مسلمانان را به تعلم واداشت و مخارج آن را از کیسه همت و فتوت خود ادا نمود. بعد از این حاجی ملتفت شد که اطفال مردم دهات هم از هر حیث مثل سایر نوع بشر هستند بنابراین در دهات هم تأسیس مدرسه واجب است. ابتدا در قریه مردکان از توابع بادکوبه مکتبی مخصوص برای پنجاه نفر از اطفال مسلمان ترتیب داد» (پیشین، سال اول، ش ۸: ۶۱-۶۰). در روزنامه مهم ادب نیز بر این نمونه تأکید شده «حاجی زین‌العابدین تقیوف مکتب جدیدی برای تربیت دختران دایر کرده است که در آنجا بیست نفر از ایتم به خرج حاجی که در سال هشت هزار منات باشد تربیت خواهند شد. در این مکتب‌ها دخترها مدت چهارسال درس می‌خوانند که سه سال آن درس مسلمانی و یکسال تحصیل زبان روسی بقدر کفایت و صنایع یدی تحصیل خواهند کرد» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۱۰، ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۸: ۷۷).

ترتیب چینش واژگان در این متون، اهمیت تأکید دین را بر مسئله «سوادآموزی» و نیز «فقیرنوازی» متذکر شده، «اقلیم خراسان» و «دشواری‌های زیست در آن» همراه با «توجه دینی»، «بازتوزیع خیرانه» و «احساس تعلق ملی و تعلق اسلامی»، اهمیت «علم‌آموزی» و گزاره‌های معنایی مربوط به آن در نشریات فوق شاهد هستیم و در نتیجه توجه به تمایز معنایی حاصله ضروری است. در اینجا علم‌آموزی به اطفال، شیوه‌های آموزش و گزینش معلمین به روشنی ذکر شده که ناشی از نگرش خاص نویسندگان در این واحد تحلیل است. نکته جالب توجه در این میان توجه به امر آموزش اطفال فقیر و نیازمند در خارج از مرزهای ایران است. بنابراین می‌توان گفت در مطبوعات خراسان این عصر سوادآموزی ایده‌ای مدرن برای اجتماعی شدن تجدد بومی با پشتوانه اسلامی تعریف می‌شده است.

تدوین برنامه آموزشی متجددانه زنان؛ فرایندها، روندها و محتوی

نویسندگان نشریات توجه جدی خود را صرف آسیب‌شناسی برنامه‌های آموزشی و کاربردی کردن محتوی آموزشی مدارس نموده و سعی در ارائه راهکارهای مفید جهت استفاده عملی یافته‌های آموزشی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شده‌اند: «باید راه صحیحی برای تحصیل صنایع و کسب معارف بدست آورد. نحو و صرف و منطق و معانی و بیان مفتاح لسان عرب و کلید زبان شرع مقدس ما هستند و بدون تعلم آنها به اخذ معانی از الفاظ شریفیه فرقانیه و اخبار و احادیث مرویه موفق نخواهیم شد پس واجب است اساس قواعد آن علوم را اخذ کنیم. هرگاه از ۱۵ سالگی اطفال خود را به قرائت، امثله صرف، تصریف، شافیه، کبری، شمسیه، و نظایر اینها مشغولشان کنیم بعد از ۱۵ سال احتمال دارد از دروس مزبوره فراغت یابند. حال بینیم بعد ۱۵ سال درس عربی و خوردن دود چراغ و جان کندن آیا می‌توانند به زبان فصیح به شریف مکه بنویسند یا یک صفحه از کتاب تحفه‌النصوحیه ترجمه نمایند و... معلوم شد که به هیچکدام از امور مذکوره واقف نیستند. حال چه باید کرد؟ دو سال را باید صرف مقدمات معاشیه نمود مانند حساب و هندسه و جغرافیا شیمی الباقی دوازده سال را در راه اموری که نفع و هزینه کلی برای عموم هموطنان داشته باشد صرف کنند» (روزنامه ادب، سال اول، ش ۴، ۲۴ رمضان ۱۳۱۸: ۳۲).

جدول ۴- حقوق دختران در نشریات خراسان عصر قاجار با تأکید بر فرایند آموزش:

ردیف	عنوان	کارکرد	قلمرو
۱	علم‌آموزی به اطفال دختر	تأکید بر کنش‌های دینی	فردی- اجتماعی
۲	تأسیس مدارس خیریه	تأکید بر کنش‌های دینی- عرفی	فرهنگی- اجتماعی
۳	استخدام معلمین متخصص / متدین	تأکید بر کنش‌های دینی / ملی	فرهنگی- اجتماعی
۴	توجه به آموزش دختران روستائی	تأکید بر کنش‌های دینی / ملی	فرهنگی- اجتماعی
۵	تدوین برنامه آموزشی مناسب اطفال	تأکید بر کنش‌های دینی / ملی	فرهنگی- اجتماعی
۶	نگاه فراملی به دختران؛ آموزش دختران در بادکوبه و کابل ^۱	تأکید بر کنش‌های دینی	فردی- اجتماعی

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخ تجدد در ایران معاصر مقوله جذاب و با اهمیت برای شناخت تجربه طی شده در میان نسل‌های مختلف ایران در عصر جدید است. در عین حال که عمدتاً نگرش نخبگانی به تاریخ تجدد وجود دارد اما با عبور از اسناد رسمی و تاریخ‌نگارانه و اتخاذ رویکردهای تاریخ‌نگاری غیرسیاسی مانند تاریخ اجتماعی این امکان وجود دارد

^۱. به نظر می‌رسد در این برهه هنوز نگاه ملی و دولت- ملت مدرن در جامعه ایرانی شکل نگرفته و هنوز روشنفکران و روزنامه‌نگاران خراسانی، مسائل را در چهارچوب دوگانه «دارالاسلام- دارالکفر» فهم می‌کنند البته امکان دارد در ذهنیت نویسندگان مذکور هنوز پیوند عاطفی و مراودات فرهنگی- اجتماعی با سرزمین‌های یاد شده به مثابه بخش‌هایی از «دیا سپورها/ دیاسفوراها» ایران بزرگ فرهنگی برقرار بوده است.

با کمک روش‌های کیفی روندهای متنی ساخت اجتماعی معناهای مدرن را در جامعه ایران عصر قاجار و در این مقاله سرزمین خراسان بازشناسی کرد.

در همین راستا باید گفت تحلیل محتوا به مثابه شیوه‌ای نوین در پردازش اطلاعات روزنامه‌ای وابستگی و پیوستگی خاصی با شیفتگی روزنامه‌نگاران در ارائه آمار و ارقام دارد اما در مورد پژوهش حاضر با توجه به قلمرو زمانی/ مکانی آن و زاویه نگاه نویسندگان مقالات روزنامه‌های خراسان عصر قاجار، تمرکز پژوهندگان استفاده تلفیقی از روش پژوهش کیفی و نیز وجه کیفی تکنیک تحلیل محتوا برای بازایی شیوه‌های بازنامایی مطبوعات از مقوله‌های مرتبط با زنان در این عصر بوده است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است مفاهیم و مؤلفه‌های مندرج در روزنامه‌های مذکور کنش‌های دینی و ملی را در راستای شکل دادن به تجدد بومی تحت تأثیر بازخوانی ارزش‌های فرهنگ اسلامی را بیشتر نمایندگی کرده است و پیوستگی معنایی داده‌ها و بازتاب آنها در متن روزنامه‌های خراسان عصر قاجار، مفاهیمی نظیر «منهیات زنان، حقوق زنان و دختران، نقش و کارکرد آنها در خانواده، علم‌آموزی، برنامه‌های آموزشی مناسب، تأسیس مدارس خیریه، تقابل‌های دوگانه شرع- عرف در کنار هم‌پوشانی‌های آنها» بیشترین درصد فراوانی را از نظر محتوایی در نشریات مورد مطالعه داشته‌اند. نگاه به مسائل دختران؛ علم‌آموزی آنان، توجه به اطفال تهیدست، آموزش دختران در کنار پسران، آموزش دختران روستائی، نگاه فراملی به امور آموزشی خیربنیاد در *افغانستان و ایران*، مقوله‌های انضمامی دیگر این زنجیره معنایی نیز بوده است. نویسندگان در مقالات خود سعی در کنشی آگاهانه برای پردازش ارزش‌های مد نظر خود در قالب نوشتارهایی «اسلامی- ایرانی» برای شکل دادن به تجدد بومی بوده‌اند و پیوند ارزش‌های اسلامی با ارزش‌های ملی نزد خراسانیان، در سایه توجه به مقتضیات عصر مدرن نیز در روزنامه‌ها بازتاب یافته است.

گروه معنایی واژگان مورد استفاده در روزنامه‌های خراسان عصر قاجار در ارتباط با ارزش‌های اجتماعی این نکته را نشان می‌دهد که می‌توان دلالت‌های معنایی گسترده‌ای را بر اساس سنت‌های ایرانی- محلی خراسان عصر قاجار در این مطبوعات یافت.

در پایان ذکر این نکته بایسته است ترتیب چینش واژگان در متون نشان از تأکید طیف‌های مطبوعاتی در خراسان عهد قاجار برای ارائه نسخه‌ای روزآمد شرعی- عرفی برای حل مسائل روزمره زنان و دختران دارد و نگاه اجتماعی مبتنی بر «اقلیم خراسان» و «الگوهای زیستی اجتماعی و فرهنگی مردمان آن» همراه با «توجه دینی» و «احساس تعلق ملی»، منظومه فکری نشریات خراسان عصر قاجار را ذیل جستار پژوهشی حاضر ترسیم می‌نماید.

منابع

الف) کتاب

- پارتا ساراتی، رانگا سوامی (۱۳۸۱). روزنامه‌نگاری در هندوستان از آغاز تا امروز، ترجمه داود حیدری، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تاریخ اجتماعی دانش، روش، آموزش (۱۳۹۴). گردآوری و ترجمه، ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- تفرشی‌حسینی، سید احمد (۱۳۵۱). روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دلاور، علی (۱۳۹۴). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- رضائی، علی‌اکبر و علی‌اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۸). روش تحقیق در روان‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- روزنامه ادب، صاحب امتیاز/ مدیر مسئول: ادیب‌الممالک، مشهد: ۱۳۱۸ ه.ق.
- روزنامه ایران (۱۳۷۴). قم: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول.
- روزنامه بشارت، مدیر مسئول: محمدعلی، مشهد: ۱۳۲۴ ه.ق.
- روزنامه تازه بهار، مدیر مسئول: محمدتقی بهار، مشهد: ۱۲۸۹ ه.ق.
- روزنامه خراسان، مدیر مسئول: رئیس‌الطلاب، مشهد: ۱۳۲۵ ه.ق.
- روزنامه خورشید، مدیر مسئول: میرزا محمد صادق تبریزی، مشهد: ۱۳۲۵ ه.ق.
- روزنامه فکر آزاد، مدیر مسئول: احمد دهقانی کرمانی/ع. ر. شهیدی، مشهد: ۱۳۰۱ ه.ش.
- روزنامه نوبهار، مدیر مسئول: محمدتقی بهار، مشهد: ۱۲۸۸ ه.ق.
- شهشهانی اصفهانی، عبدالوهاب بن محمدامین (۱۳۹۷). بحرالجواهر فی علم الدفاتر، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کرپندروف، کلوس (۱۳۸۳). تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- مجله جهان زنان، مدیر مسئول: فرخ دین پارسا، مشهد: ۱۳۳۹ ه.ق.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، ج ۴، تهران: نشر شیرازه.
- مک رایلند، داندل و تیلور، آورام (۱۳۹۷). نظریه اجتماعی و تاریخ اجتماعی، ترجمه محمد غفوری، تهران: انتشارات سمت.
- ملائی‌توانی، علیرضا (۱۳۸۶). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نشر نی.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال شامل وقایع دربار شاه عباس صفوی،

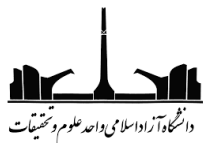
به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.

موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۴۰۰). رهیافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

مولر، جی.اچ و دیگران (۱۳۸۶). استدلال آماری در جامعه‌شناسی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
نیکخو، محمدرضا و آوادیس یانس، هامایاک (۱۳۸۰). زندگی جنسی زنان آشنائی با رفتارهای جنسی و روش‌های شناخت و درمان اختلالات جنسی زنان، تهران: انتشارات سخن.



Researches on the History of Iran during the Islamic Period



Scientific Quarterly Vol 2 Issue 2(4) Summer 2025

History of the Forgotten: Representation of Women and Girl in the Press of Khorasan during the Qajar Era

Elahe Mah Parvi¹ , Sina Foroozesh^{2*} , Zohair Siamian Gorji³ , Ghassem Mohammadi⁴ 

Received: 01.07.2025

Accepted: 28.08.2025

Introduction

Social history as one of the important branches of historiography spread among historians in the 19th century, and factors such as the purification of Marxist thought and the Annals school accelerated this process. In the middle of the 20th century, the focus on political history shifted to "analytical holistic view". The range of topics, approaches and methodologies available in the field of history led to the increasing convergence of the humanities, in which history and social sciences became intertwined, given their similar nature.

Marxist research and their attention to the role of classes in society caused researchers to pay attention to the role of neglected and forgotten classes in history. In this regard, studies on "gender history" and "women's history" were considered. The redefinition of women's experiences as an outsider group in the research of predecessors has opened up new arenas for historians and added to the richness of social history, but at the same time it has led to an increasing fragmentation of the field and left unanswered a large number of questions raised in historical explanation.

Importance and Necessity of the Research

The importance and necessity of this research is in processing the content of the newspapers of Khorasan during the Qajar era and constructing the image of the forgotten groups in the history of Iran during this period. Women and children, as two groups of social spectrums that were less addressed in traditional and previous historiography and were on the margins of history, were taken into greater consideration with the emergence of social history and the

¹. PhD Student in Islamic History, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

². Associate Professor, Department of History, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding author) Email: sinaforoozesh@gmail.com

³. Assistant Professor, Department of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

⁴. Assistant Professor, Department of Islamic Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

expansion of its scope as one of the new methods of historiography. Therefore, the representation of women and children among the publications and newspapers of Khorasan during the Qajar era can seem like an original and significant research.

The necessity of conducting this type of research is to distance oneself from traditional historiography based on political history and approach modern and methodical types of historiography based on modern theories in historiography in the contemporary world.

Research Method

This research includes at the methodological level: qualitative method, quantitative method and content analysis, each of which will be discussed in a schematic manner. Qualitative methodology allows the researcher to obtain analytical/interpretive and explanatory aspects of concepts and variables directly from the data. The objectives of qualitative research include: description, explanation or interpretation, which in this research has been used from its library and documentary level. The quantitative method is used in research to measure variables that have the ability to be converted into a quantity.

Content analysis in processing newspaper information, first refers to the issue of the value of the content in them and secondly whether the arguments of journalists on social issues have a scientific status and value, among the cases of using this method for research on newspapers.

Literature and Research Background

Various studies have been conducted on social history and women and have examined various topics in this field. In this regard, various works such as "History of Women's Awakening" by Sharifi Sa'i (1392) and analyses related to children by Yousefi Aghdam and Farastkhah (1400); have been presented. Seyyed Qutb (1401-1397) in "Research on Khorasan News in the Qajar Era" systematically categorized the events into a series that can represent Mashhad and Khorasan in the Qajar era; and in another study (1393); he analyzed the press distribution system in Mashhad during the Qajar era.

Theoretical Framework

This research seeks to represent the social existence of women and children in the newspapers of Khorasan during the Qajar era

The nature of social history research requires convergence between the research of historians and sociologists.

The theoretical approach of the present research is to use a mixed theoretical model based on the technique of "qualitative content analysis" and combine it with the approach of McRyleid and Taylor in the book "Social Theory and Social History". In this regard, the researchers have considered the rereading of Khorasan publications during the Qajar era and have organized their research using other historical sources.

Findings

The word newspaper has been used and utilized in Iran since ancient times. In previous centuries, this word has been used as an expression of important events of the sultans' system

as well as daily events of the court, biographies of kings, ministers, elders of the country and the country, and sometimes as a kind of tax account.

In the Qajar era, this word changed in terms of its use and role, meaning that; chroniclers and government writers reported the events and incidents of their regions to the central government, and this current news and short political, social and economic news in that era were called newspapers. The development of newspapers in this era occurred rapidly and public acceptance increased sharply. This is because the speed of publishing news in newspapers was faster than other news processes.

The definition of the category of woman as a human gender and their sexual differences with men based on a psychological approach indicates different feminine characteristics in their bodies. Before the formation of a "collective female identity" and their awareness of the concept of class, women's problems were analyzed with an individual approach. Recognizing collective problems and defining the category of women as a social being, collective problems of identification and identity formation were formed around this new situation.

In Khorasan publications during the Qajar period, women were often introduced as dependent characters. Authors criticized their social status by citing religious sources. And they used the concepts of foreign domination and self-alienation of identity. Women's clothing and its limits in Islamic laws became one of the challenging issues for Muslims in this era. In this regard, cultural changes and contact with the West have led to detailed discussions about the hijab and women's freedom.

The frequency and repetition of the two words "honor" and "jealousy" in newspaper texts are considered as one of the general values and have a wide inclusion in the Islamic-Iranian discourse governing Khorasan publications during the Qajar era.

A major development in the press discourse of the Khorasan people of the Qajar era was the emphasis on equal rights between men and women, especially in "women's magazines" whose authors considered the pursuit of knowledge as essential for them.

In the period's publications, a narrative model was presented in order to model the social life of women from the ideal models of early Islam and their lifestyle, so that Khorasan women could continue the same practice in light of it.

In the study of Khorasan newspapers on the issue related to women, sometimes the confrontation of conflicting discourses can be identified, as in the comparison of two articles from the journal Jahan Zanan and Khorasan, the confrontation of conflicting discourses is shown: the first text, by presenting historical evidence from early Islam, seeks to recognize the right of women to testify in courts, and the second text; places women in the category of "persons under guardianship", "perpetrators of criminal offenses" and "convicts". The discursive conflict and the network of conceptual implications of the two texts reflect the social atmosphere prevailing in Khorasan at that time.

In this era, looking at the issue of education and educational justice for boys and girls is also an important point, the traces of which can be seen in the press.

Also, the authors of the publications have devoted serious attention to the pathology of educational programs and the application of educational content in schools, and have tried to provide useful solutions for the practical use of educational findings in social and economic areas.